

علم و فلسفه

حمید پارسانیا

فهرست

مقدمه ۷

بخش اول: علم و فلسفه ۱۳

فصل اول: علم کلی و علوم جزئی ۱۵

فصل دوم: مهمل گویی فلسفی ۲۷

فصل سوم: فلسفه علمی ۳۵

فصل چهارم: نقادی خرد ۴۱

فصل پنجم: نسیت مضاعف ۵۱

بخش دوم: فلسفه و دین ۶۹

فصل ششم: طلوع هستی ۷۱

فصل هفتم: سفسطه و شکاکیت پیچیده	۸۷
فصل هشتم: دامنه منطقی فلسفه و علم	۱۱۱
فصل نهم: اصول فلسفی و بیش فرض های ذهنی	۱۲۵
فصل دهم: سپهر شهود و حقیقت دینی علم	۱۳۳
بخش سوم: علم سکولار و علم دینی	۱۴۳
فصل یازدهم: علم دینی و علم دنیوی	۱۴۵
فصل دوازدهم: حکایت های ناگفتی	۱۶۳
فهرست اعلام اشخاص	۱۷۵
کتابنامه	۱۷۹

مقدمه

سپاس خدای را که تجلی به علم و خلقت به عقل آغاز کرد و درود بر محمد مصطفی و اهل بیت گرامی او که خزان علم خداوند و مخلوق نخستین او هستند.

علم چیست و فلسفه کدام است؟ تفاوت آن دو در چیست؟ آیا فلسفه نوعی علم است؟ اگر فلسفه علمی خاص است، امتیاز آن در چیست و ارتباط آن با سایر علوم چگونه است؟ و اگر فلسفه علم نیست آیا کمک کار و خادم علم است و یا آن که مانع و مزاحم آن می باشد و یا این که هیچ ارتباطی با علم نداشته و قلمرو جدایی از علم دارد؟

آیا تعریف فلسفه و علم و تفاوت آن دو به قرارداد و اعتبار ما وابسته است و در نتیجه پاسخ سؤال های یاد شده متناسب با قراردادی است که ما در تعریف فلسفه و علم متناسب با سلیقه شخصی و یا مطابق با فرهنگ و آداب اجتماعی وضع می نماییم و اگر این گونه نیست کدامیک از تعریف هایی که درباره فلسفه و یا علم داده می شود، تعریف درست و واقعی است و دلیل

درست بودن آن تعریف چیست؟

پرسش‌هایی نظیر سؤال‌های فوق، مجموعه مباحثی را به دنبال می‌آورد که در سه بخش و در ضمن دوازده فصل به بحث گذارده می‌شود. بخش اول درباره تعریف‌های مختلفی است که درباره فلسفه و به دنبال آن درباره علم بیان شده است. در این بخش در طی پنج فصل پنج تعریف مهم ذکر می‌شود و لوازم مربوط به هریک از آن تعاریف به ترتیب در چند فرع شناخته می‌شود.

فرع اول که پس از هر تعریف درباره آن تحقیق می‌شود، این است که آیا فلسفه بر اساس تعریفی که از آن ارائه شده است، دارای ارزش معرفتی است و یا فاقد هرگونه بعد معرفتی بوده و تنها نوعی بازی ذهنی و خیالی است. فرع دوم مربوط به موضوع فلسفه است، به این معنا که اگر فلسفه بر اساس تعریف ارائه شده دارای ارزش معرفتی باشد، آیا موضوع آن امری واقعی و عینی است و یا فاقد موضوع خارجی بوده و تنها به فعالیت‌های ذهنی انسان که در مسیر آگاهی‌های واقعی انجام می‌شود، می‌پردازد. به عبارت دیگر در این فرع، به این مسأله پرداخته می‌شود که آیا فلسفه یک علم درجه اول یا یک علم درجه دوم است.

مراد از علم درجه اول علمی است که مستقیماً به حقایق خارجی می‌پردازد و درباره آن‌ها کاوش می‌کند و علم درجه دوم علمی است که علوم درجه اول را پس از پیدایش آن‌ها، موضوع تحقیق و کاوش خود قرار داده و درباره آن‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌نشیند. موضوع علوم درجه دوم متن جهان خارج نیست بلکه آگاهی به واقع است و آگاهی واقعیتی است که در ظرف ذهن و

اندیشه آدمی پدید می آید.

فرع سوم تعریف و یا تعاریفی است که برای علوم غیر فلسفی، با لحاظ تعریفی که برای فلسفه شده است، می تواند وجود داشته باشد، و درباره ارزش معرفتی سایر علوم در این فرع بحث خواهد شد.

فرع چهارم درباره نسبت فلسفه و سایر علوم است. در این فرع یا هرگونه نسبتی بین فلسفه و علم متنفی دانسته می شود و یا آن که فلسفه اصل و سایر علوم فرع و یا این که سایر علوم اصل و فلسفه فرع خوانده می شود و یا به نسبتی متقابل بین علم و فلسفه نظر داده می شود.

فرع پنجم مربوط به شیوه معرفتی فلسفه بر اساس تعریف ارائه شده از آن است، به این معنا که اگر فلسفه دارای ارزش معرفتی مثبت باشد، - شیوه معرفتی آن یا حسی - تجربی و یا عقلی و یا شهودی و حضوری خواهد بود. فرع ششم پیرامون شیوه معرفتی سایر علوم است.

در بخش دوم به داوری در مورد صحت و سقم تعریف های بخش نخست پرداخته می شود. در این بخش تعریف صحیح که همان تعریف اول است، محور گفت و گو قرار می گیرد. بخش دوم مشتمل بر پنج فصل است.

در فصل ششم که اولین فصل از این بخش است، فلسفه به عنوان علمی معرفی می شود که حاصل تأمل در هستی و نخستین درخشش نور وجود در صحنه فهم و اندیشه آدمی است و به دنبال آن در فصل هفتم تعاریف دیگری که از علم و فلسفه شده و به صورت های مختلفی مستلزم سفسطه و شکاکیت هستند، ابطال می شوند.

فصل هشتم ناظر به بستر و مسیر گسترش و توسعه علوم مفهومی یعنی منطق

و ناظر به نقش آن در وصول به معلومات نظری است.

فصل نهم برخی از امتیازات فلسفه و دیگر علوم و کاری که علم فلسفی در تأمین مبادی و اصول موضوعه علوم دیگر دارد، بیان می‌شود و در فصل دهم به سپهر شهود و آسمان وجود نظر می‌شود، به جایی که فلسفه از آن آغاز می‌شود.

در این فصل هویت دینی علم و پیوند ناگسستنی‌ای که علم از آغاز تا انجام، با دین دارد، روشن می‌شود.

بخش سوم با عنوان علم سکولار و علم دینی مشتمل بر مطلبی است که در همایش دین و دنیاگروی - سکولاریزم - به تاریخ ۱۳۷۶/۳/۲۰ در دانشگاه علوم پزشکی ساری، ارائه شد. این عنوان در این مجموعه به دو نیمه تقسیم شده است. نیمه نخست فصل یازدهم مجموعه را تشکیل می‌دهد، با نام علم دینی و علم دنیوی. در این فصل به برخی تفاوت‌های این دو علم و به آثار اجتماعی هر یک از این دو علم پرداخته می‌شود و نیمه دوم، فصل پایانی اثر است، با نام حکایت‌های ناگفتنی. در این فصل به چگونگی مواجهه و رویارویی دو علم دینی و دنیوی در جامعه ایران اشاره می‌شود. علم دنیوی با آن که سازمان‌های رسمی علم در جامعه ایران را تسخیر می‌کند موفق به حذف اصول و بنیان‌های علم دینی نمی‌شود و این امر تنش‌ها و مشکلات علمی و اجتماعی فراوانی را تا انقلاب و پس از آن به دنبال می‌آورد. راقم بخش دیگری از این حکایت‌ها را در فصل پایانی کتاب حدیث پیمانه روایت کرده است.

بخش اول و دوم این مجموعه حاصل مباحثی است که در دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ تدریس می‌شد. خداوند سبحان در فروردین ۱۳۷۶ در مکه مکرمه و مدینه النبی توفیق تدوین و تنظیم آن مباحث را نصیب راقم ساخت.

او را بر این منت سپاس.